

پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹



10.22059/jlcr.2020.293574.1376

Print ISSN: 2382-9850-Online ISSN: 2676-7627

<https://jlcr.ut.ac.ir>

The Impact of Chaos Theory on Reinforcing Postmodern Strains of the «The Nocturnal Harmony of Wood Orchestra» Fiction

Mohammad Reyaz Raeisi

Ph.D Candidate of Persian language and literature, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.

Mohammad Ali Mahmoodi¹

Associate Professor of Persian Language and Literature, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.

Abdolali Oveisi Kahkha

Associate Professor of Persian Language and Literature, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.

Received: 6, December, 2019 & Accepted: 10, May, 2020

Abstract

The Nocturnal Harmony of the Wood Orchestra” by Reza Ghasemi is one of the most significant postmodern stories in Persian literature. It tells the life of a group of Iranian immigrants and exiles living in France who are still struggling with their original culture and beliefs. Chaos theory, which is one of the well-known and widely used theories in physics and meteorology, is reflected in this story. Since this story is a piece of metafiction, the author/narrator consciously refers to the chaos theory and in particular to the butterfly effect. This study, after introducing the most characteristic features of chaos theory, reads “The Nocturnal Harmony of Wood Orchestra” in light of this theory. It uses a descriptive-analytical method to investigate the effect of chaos theory on the postmodern aspects of this fiction and on the lives and destinies of the characters. We seek to show how the manifestation of a scientific theory in the story reinforces its postmodern aspects. Chaos theory is used in various sciences. It talks about nonlinear events and processes based on uncertainty. The manifestation of chaos theory in this story distinguishes it from others. According to this theory, complex and turbulent phenomena and events are the result of multiple causes and constantly affect each other. These kinds of phenomena are sensitive to their initial conditions and their various components, based on the butterfly effect, self-similarity, dynamic adaptation, and strange attractors, show a kind of order in disorder or a quasi-chaotic situation. The results of this study show that the chaos theory, through disturbing and unfamiliar propositions, highlights the postmodern aspects of the story and at the same time justifies the confusion of the characters while coordinating the form and content. This theory describes the intertwined and complex lives and fates of the characters in a postmodern way and shows the effects of small variables on large events and the fates of the characters.

Keywords: The Nocturnal Harmony of the Wood Orchestra , Reza Ghasemi, Postmodern fiction, Chaos theory, Butterfly effect.

1. Email of the corresponding author: mahmoodi122@yahoo.com

تأثیر «نظریه آشوب» در تقویت سوبه‌های پسامدرن داستان «همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها»

محمدریاض رئیسی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

محمدعلی محمودی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

عبداللهی اویسی کهخا

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۹/۱۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۲/۲۱

(از ص ۶۷ تا ص ۸۷)

علمی- پژوهشی

چکیده

داستان *همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها* اثر رضا قاسمی یکی از شاخص‌ترین داستان‌های پسامدرن ادبیات فارسی است. این داستان زندگی گروهی از مهاجران و تبعیدی‌های ایرانی ساکن فرانسه را روایت می‌کند که هنوز هم گرفتار مشکلات ناشی از فرهنگ و اعتقادات اولیه خود هستند. نظریه آشوب که یکی از نظریه‌های شناخته‌شده و پرکاربرد در علوم فیزیک و هواشناسی است در این داستان تجلی پیدا کرده است. از آنجا که این داستان پسامدرن، حالت فراداستان دارد، نویسنده/اروی به‌طور آگاهانه به نظریه آشوب و به‌خصوص ویژگی بال پروانه‌ای آن اشاره می‌کند. این پژوهش، پس از معرفی و بیان شاخص‌ترین ویژگی‌های نظریه آشوب، بر مبنای این نظریه به خوانش داستان *همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها* می‌پردازد و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تأثیر نظریه آشوب در تقویت سوبه‌های پسامدرن این داستان و زندگی و سرنوشت شخصیت‌ها می‌پردازد و در پی آن است که نشان دهد چگونه تجلی یک نظریه علمی در داستان، به تقویت سوبه‌های پسامدرن آن می‌انجامد. نظریه آشوب در علوم مختلف کاربرد دارد و از رویدادهای غیرخطی و فرآیندهای مبتنی بر عدم قطعیت سخن می‌گوید. تجلی نظریه آشوب در این داستان آن را از سایر داستان‌ها متمایز کرده است. بر اساس این نظریه، پدیده‌ها و رویدادهای پیچیده و آشفته، حاصل علل متعدد هستند و به‌طور مداوم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این نوع پدیده‌ها به شرایط اولیه خود بسیار حساس و اجزای مختلف آن‌ها مبتنی بر اثر بال پروانه‌ای، خود همانندی، سازمان‌دهی پویا و جاذب‌های غریب است که در مجموع گونه‌ای از نظم در بی‌نظمی یا وضعیتی شبه‌آشفته را به نمایش می‌گذارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظریه آشوب با گزاره‌های آشفته‌ساز و آشنایی‌زدا، سوبه‌های پسامدرن داستان را برجسته‌تر کرده و در عین هماهنگی ساخت و محتوا، آشفتگی شخصیت‌ها را توجیه می‌کند. نظریه آشوب، زندگی و سرنوشت درهم‌تنیده و پیچیده‌ی شخصیت‌ها را به شیوه‌ای پسامدرن تشریح می‌کند و تأثیر متغیرهای کوچک را در حوادث بزرگ و سرنوشت شخصیت‌ها نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها؛ رضا قاسمی؛ نظریه آشوب؛ داستان پسامدرن؛ اثر بال پروانه‌ای.

۱. مقدمه

نظریه‌ی آشوب برای نخستین بار توسط ادوارد لورنز در علم هواشناسی مطرح شد. این نظریه به بررسی پدیده‌های پیچیده و آشفته می‌پردازد و تأثیر متغیرهای مختلف را در آن پدیده‌ها بررسی می‌کند و علوم مختلف برای تحلیل پیچیدگی‌های خود از آن بهره می‌برند. علوم انسانی و مطالعات ادبی هم از این رهیافت‌ها بی‌بهره نبوده‌اند و در غرب کوشش‌هایی برای کاربرد این نظریه در تحلیل متون ادبی صورت گرفته است. انجمن «اس ال اس» در آمریکا و اروپا درباره کاربرد نظریه‌ی آشوب در ادبیات فعالیت می‌کند. «در همین دوره‌ای که نظریه جدید آشوب شهرتی یافته است، اشتیاق ایجاد ارتباط میان ادبیات و علم، دانشگاه را تسخیر کرده است. انجمن ادبیات و علم (اس ال اس) - اکنون ادبیات و علم و هنرها) در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد و تاکنون به سرعت رشد پیدا کرده است» (parker, 2007: xii).

داستان پسامدرن از دستاوردهای علمی برای تأکید بر گزاره‌های پسامدرن بهره می‌برد: «نویسنده‌ی پست‌مدرن برای به بازی گرفتن واقعیت و امر واقع به سوی دانش گرایش پیدا می‌کند و بیش از هر حوزه‌ی بشری دیگر با دنیای فراواقع سر و کار دارد» (بزرگمهر و زیور عالم، ۱۳۹۳: ۸). داستان پسامدرن هم‌نواپی شبانه / ارکستر چوب‌ها اثر رضا قاسمی، عرصه تجلی نظریه‌ی آشوب است، شخصیت‌های آن گرفتار نوعی آشفتگی هستند و این امر تأثیر قابل توجهی در پیچیدگی داستان دارد. زندگی و سرنوشت شخصیت‌های این داستان بدون توجه به این نظریه در هاله‌ای از ابهام خواهد بود؛ تجلی نظریه‌ی آشوب سویه‌های پسامدرن آن را تقویت می‌کند؛ زیرا نظریه آشوب و پسامدرنیسم اشتراکات زیادی با یکدیگر دارند و هر دو محصول تغییر نگاه فلسفی زمانه هستند. شخصیت‌های داستان‌های پسامدرن نسبت به شخصیت‌های داستان‌های کلاسیک و مدرن آشنایی‌زدایی قابل توجهی دارند و تبیین کنش‌های آن‌ها بر مبنای نظریه‌ی آشوب تفاوت‌های آن‌ها را روشن‌تر می‌کند. شخصیت پسامدرن گرفتار هویت‌پریشی، پارانوایا و تناقض است و زندگی ذهنی، زبانی و اجتماعی او سرشار از عدم قطعیت‌هاست. چنین وضعیتی نیاز به مفاهیمی ویژه برای تحلیل و تبیین دارد که نظریه‌ی آشوب می‌تواند به‌مثابه نوعی استعاره‌ی مفهومی چنین وضعیتی را به خوبی تبیین کند.

«طبق نظر رابرت شاو، شما نمی‌توانید چیزی را بفهمید مگر آنکه استعاره‌ای مناسب اجازه درک درست آن را به شما بدهد. بنابراین، برای فهمیدن درست نظریه بی‌نظمی باید وجود آن را به‌طور استعاره‌ای نه‌تنها در علوم فیزیک و ریاضی، بلکه حتی علوم انسانی جستجو کرد. از این‌رو، ادبیات

می‌تواند یکی از زمینه‌هایی باشد که به‌گونه‌ای استعاره‌ای این نظریه را به کار می‌گیرد» (بیگری و قادری سهی، ۱۳۹۸: ۱۲).

پژوهش حاضر پس از مرور نظریه‌ی آشوب و تشریح سویه‌های پسامدرن داستان *همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها*، به تبیین تجلی نظریه‌ی آشوب در این داستان می‌پردازد و پس از آن زندگی و سرنوشت شخصیت‌ها را بر اساس نظریه‌ی آشوب تحلیل می‌کند.

۱-۱. سوالات پژوهش

۱. کاربست نظریه‌ی آشوب در داستان چگونه سویه‌های پسامدرن آن را برجسته‌تر می‌کند؟

۲. نظریه‌ی آشوب چگونه می‌تواند آشفته‌گی شخصیت‌های داستان را تبیین و تحلیل کند و تأثیر آشفته‌گی را در زندگی و سرنوشت آن‌ها نشان دهد؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

نظریه‌ی آشوب یکی از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌های قرن بیستم است. این نظریه در مطالعات ادبی هم کاربرد دارد و برخی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته عبارت‌اند از:

۱. «طراحی و آشفته‌گی: تحلیل آشوبناکی داستان پسامدرن آمریکا» (۲۰۰۲). ام کونته، جوزف. این کتاب از نخستین پژوهش‌هایی است که نظریه‌ی آشوب را در مطالعات ادبی به کاربرد و نظم درون بی‌نظمی‌های تعدادی از داستان‌های پسامدرن را بررسی می‌کند و از نخستین پژوهش‌هایی است که در این موضوع نوشته شده است.

۲. «تجلی ادبیات پسامدرن در نمایشنامه‌های علمی با تأکید بر نمایشنامه‌ی آرکادیا اثر تام استوپارد» (۱۳۹۳). بزرگمهر، شیرین و زیور عالم احسان. این مقاله در پی اثبات پسامدرن بودن این اثر و شیوه کاربست نظریه‌ی آشوب در چهارچوب روایی این نمایشنامه است.

۳. سیاره‌ای خارج از مدار: نگاهی به پسامدرنیسم در رمان *همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها* (۱۳۸۹). هوروش، منا. این مقاله با استفاده از نظریات منتقدان پسامدرنیسم و مفاهیمی همچون برجسته‌سازی، وجودشناسی، دور باطل و عدم قطعیت نشان می‌دهد که تکنیک‌های پسامدرنیستی این داستان، عاریه‌ای نیست بلکه نتیجه طبیعی روایتی است که به آشفته‌گی ذهن انسان معاصر می‌پردازد. اما تاکنون داستان پسامدرن ایران و به‌خصوص شخصیت پسامدرن از منظر نظریه‌ی آشوب مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳-۱. خلاصه داستان

این داستان روایت زندگی مردی به نام یدلله است که از ایران به فرانسه مهاجرت کرده و در یک اتاق محقر از یک ساختمان شش طبقه زندگی می‌کند. سایر ساکنان این ساختمان ایرانیانی هستند که به دلایل متعدد مهاجرت کرده‌اند. راوی که شخصیت اول داستان است در سن چهارده سالگی حادثه‌ی مهمی را پشت سر گذاشته و دچار تثبیت شخصیت شده است. یدلله/راوی در چهارده سالگی و در ایران جامانده و به گونه‌ای رمزگونه حتی نمی‌تواند خودش را در آینه مشاهده کند. سایر شخصیت‌های داستان از جمله اشمیت و همسرش، بندیکت، سید، رعنا و پروفت، شخصیت‌هایی مسئله‌دار هستند و از انواع بحران‌های روحی رنج می‌برند؛ اما مسئله زمانی برای راوی بغرنج‌تر می‌شود که یکی از ساکنان ساختمان به نام پروفت خود را مأمور خدا می‌داند و برای خود رسالتی الهی قائل می‌شود. پروفت، سید و یدلله/راوی را می‌کشد. روای در عالم برزخ گرفتار دو شخصیت مشابه نکیر و منکر می‌شود که او را بازخواست می‌کنند. راوی مدت‌ها پیش داستانی به نام «همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها» نوشته که گوشه‌ای خاک می‌خورده اما در جریان بازخواست‌ها متوجه می‌شود که داستانش بدون اجازه او چاپ شده و به طرز عجیبی سرنوشت ساکنان ساختمان با سرنوشت شخصیت‌های داستانش یکسان است.

۲. مبانی نظری

۱-۲. نظریه آشوب^۱

در نیمه قرن بیستم بسیاری از دانشمندان علوم مختلف در پژوهش‌ها و آزمایش‌های علمی خود متوجه نوعی آشفتگی شدند و با توجه به علم آن زمان این آشفتگی‌ها برای آن‌ها قابل توجیه نبود. آن‌ها بعدها نوعی «نظم در بی‌نظمی» را مشاهده کردند و دریافتند که میان پدیده‌های آشفته و پیچیده مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای منظم اما غیرقابل پیش‌بینی و گاه اتفاقی، قابل مشاهده است؛ الگوهایی که تا پیش از آن شناخته شده نبود. یکی از مهم‌ترین یافته‌های آنان این بود که متغیرهای کوچک، تأثیر زیادی در نتایج پایانی دارد.

«chaos در لغت به معنی درهم‌ریختگی، آشفتگی و بی‌نظمی است و مترادف آن در مکانیک، تلاطم است. این واژه به معنی فقدان هرگونه ساختار یا نظم است و معمولاً در محاورات روزمره،

1. Chaos theory

2. turbulence

آشوب و آشفتگی نشانه بی‌نظمی و سازمان‌نیافتگی به نظر آورده می‌شود و جنبه منفی دارد؛ اما با پیدایش نگرش جدید و روشن شدن ابعاد علمی و نظری آن امروزه دیگر بی‌نظمی و آشوب به مفهوم سازمان‌نیافتگی، ناکارایی و درهم‌ریختگی تلقی نمی‌شود. بلکه بی‌نظمی وجود جنبه‌های غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی در پدیده‌های پویاست که ویژگی‌های خاص خود را داراست» (حاجی کریمی، ۱۳۸۹: ۳۴).

محور مباحث نظریه‌ی آشوب وجود چنین جنبه‌های غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی در پدیده‌هاست. «آشوب اکنون همچون وضعیتی توصیف می‌شود که بین یک حالت جبرگرایی کامل و یک حالت کاملاً تصادفی قرار دارد» (Conte, 2002: 24). اغلب پدیده‌های انسانی مانند پدیده‌های طبیعی، بسیار پیچیده هستند و آشفتگی از ویژگی‌های بارز آن‌هاست؛ به طور کلی «تئوری آشوب، نظام‌های غیرخطی و پویا را مطالعه می‌کند و چهارچوب مفهومی سودمندی برای پدیده‌های غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده پیشنهاد می‌دهد» (اکوانی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۵۰). منظور از نظام‌های غیرخطی و پویا، نظام‌هایی است که از یک الگو، خط‌مشی و مسیر مشخص پیروی نمی‌کند و حساسیت آن‌ها به متغیرها و شرایط مختلف، بسیار زیاد است. داستان پسامدرن یکی از این پدیده‌های غیرخطی و پویاست و شخصیت پسامدرن بیش از سایر عناصر داستانی، چنین ویژگی‌هایی دارد.

۲-۲. ویژگی‌های پدیده‌های آشوبی

چهار ویژگی برجسته در نظام‌های آشوبناک عبارت‌اند از: ۱. اثر پروانه‌ای، ۲. خودهماندی، ۳. سازگاری پویا و ۴. جاذب‌های غریب.

۱. اثر پروانه‌ای^۱

منظور از اثر پروانه‌ای این است که شرایط اولیه پدیده‌ها در شرایط پایانی آن‌ها تأثیر زیادی دارد و به‌ظاهر نوعی وضعیت پیش‌بینی ناپذیر بر آن‌ها حاکم است. این فرآیند پیش‌بینی ناپذیر به اثر پروانه‌ای مشهور است. مثال مشهور آن این است که بال زدن یک پروانه در برزیل می‌تواند باعث طوفان در آمریکا شود.

یکی از تعریف‌های رایج نظریه‌ی آشوب بر همین ساحت پروانه‌ای متمرکز است: «طبقه جدیدی از علم که با سیستم‌هایی سروکار دارد که تکامل آن‌ها به حساسیت بسیار بالا نسبت به شرایط اولیه وابسته است» (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۸۱).

۲. خودهماندی^۱

در یک نظام آشوبی، اجزاء، مشابه کل خود هستند و یا به تعبیری دیگر کل، مشابه اجزای خود است. خودهماندی یعنی اجزای مختلف گرایش به شبیه شدن به یکدیگر دارند. این ویژگی میان عناصر مختلف هماهنگی به وجود می‌آورد و در پدیده‌های اجتماعی، کنش-گران مختلف به یک نوع هماهنگی دست می‌یابند؛ اهداف آن‌ها به هم شبیه می‌شود و زندگی‌شان به هم گره‌خورده و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرد. این ویژگی خودهماندی در ریاضیات و مبحث هندسه‌ی فراکتال‌ها هم قابل‌مشاهده است. «فراکتال‌ها ساختارهای هندسی با ابعاد پیچیده‌اند، آن‌ها دارای خواص مهمی هستند که رویدادهای غیرخطی را مشخص می‌کنند» (guastello and others, 2009: 16). در هندسه اشکال و اجسامی که دارای ساختار پیچیده و خودهمانند هستند فراکتال نامیده می‌شوند:

«نظام‌های آشوبی دارای خاصیت خودهماندی یا خودمانایی هستند (نظریه هندسه فراکتال) در معادلات آشوبی الگوهای ترسیمی نشان‌دهنده‌ی نوعی شباهت بین اجزا و کل هستند، بدین ترتیب که هر جزئی از الگو همانند کل است» (اکوانی و موسوی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

نظریه هندسه فراکتالی پس از هندسه اقلیدسی مطرح شد و یکی از انواع هندسه نااقلیدسی به شمار می‌رود. هندسه اقلیدسی ماهیتی تقلیل‌گرا دارد و اشکال و طرح‌های پیچیده را به اشکال و طرح‌های ساده‌تر فرو می‌کاهد.

«این هندسه حاصل نظریه آشوب و خوانش ترسیمی آن و از شاخه‌های جدید ریاضیات با ارائه مفهوم جدیدی از بعد فیزیکی و مفاهیمی مانند خودهماندی و خودتمایلی است که در برابر تفسیر و شبیه‌سازی اشکال مختلف طبیعت انعطاف‌پذیری بی‌نظیری نشان داده است. نظریه آشوب و هندسه فراکتالی کاربردهای وسیعی در علوم انسانی، هنر، گرافیک رایانه‌ای، تحلیل هنری پیدا کرده است» (مبینی و فتح‌اللهی، ۱۳۹۳: ۷).

در تحلیل متون ادبی و هنری هم می‌توان از الگوی هندسه فراکتالی بهره برد.

۳. سازگاری پویا^۲

پدیده‌های انسانی پیچیده، مانند پدیده‌های طبیعی در عین بی‌نظمی، تمایل شدیدی به سازگاری با محیط و زمینه‌ی اجتماعی دارند. «نظام‌های پویا بدون نیاز به عوامل خارجی به خود، سازمان می‌دهند؛ که این سازمان‌دهی بر اثر رفتار تک‌تک اعضا به وجود می‌آید و تا مرز بی‌نهایت ادامه خواهد یافت» (اکوانی و موسوی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۵۱). افراد در زندگی

1. SELF-SIMILARITY

2. DYNAMIC ADAPTATION

اجتماعی به صورت خودآگاه و ناخودآگاه خود را با محیط تطبیق می‌دهند و گاهی محیط را هم مطابق سلیقه‌ی خود تغییر می‌دهند؛ این تأثیرپذیری دوجانبه و پویاست.

۴. جاذب‌های غریب^۱

جاذب‌های غریب یا عجیب، الگوهای مشخصی است که در پدیده‌های آشوبی و پیچیده وجود دارد، به عبارت دیگر جاذب‌های غریب الگویی است که در بی‌نظمی‌ها مشاهده می‌شود. فرآیند غیرخطی بودن و عدول از هرگونه کانون مشخص در داستان پسامدرن، نشان‌دهنده‌ی جاذب‌های غریب است. در حالی که جاذب‌های کانونی و مشخص محصول نگاه نیوتنی در علم است که پایه و مرکزی مشخص برای پدیده‌ها قائل است: «جاذب‌های نقطه‌ای و دوره‌ای پایه‌های فیزیک نیوتنی کلاسیک است که بیانگر نوعی الگوی منظم و باثبات در حرکت پدیده‌ها و روابط آن‌هاست» (همان: ۱۵۱)؛ شخصیت‌های داستان‌های پسامدرن کانون مشخصی ندارند و از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کنند؛ پیش‌بینی ناپذیر هستند اما در عین حال با مطالعات دقیق‌تر مشخص می‌شود که می‌توان نوعی الگو را در آن‌ها مشاهده کرد.

«در اوایل دهه ۱۹۶۰ ادوارد لورنز در تحقیقات خود جاذبه دیگری را کشف کرد که توسط دیوید روتل و فلوریس تاکنس جاذبه‌های عجیب نامیده شد. برخلاف سایر جاذبه‌ها، این جاذبه‌ها نه نقطه‌ای و نه دوره‌ای بود، رفتاری که سیستم ارائه می‌داد هرگز خودش را تکرار نمی‌کرد. این جاذبه‌های عجیب محصول غیرخطی بودن روابط پدیده‌ها و تعامل‌پذیری آن‌هاست» (مهری، ۱۳۸۱: ۲۴).

جاذب‌های غریب از ویژگی‌های مهم پدیده‌های آشوبی است؛ زیرا محققان علوم مختلف پس از آنکه در تحقیقات خود با پدیده‌ها و نظام‌های آشفتنه و پیچیده مواجه شده بودند، مادامی که جاذب‌های غریب یا الگوهای منظم اما پیش‌بینی‌ناپذیر را کشف نکرده بودند، قادر به تجزیه و تحلیل آن‌ها نبودند.

۳. بحث و بررسی

داستان پسامدرن «همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها» اثر رضا قاسمی، هم در تکنیک و ساخت و هم در محتوا دارای سوبه‌های پسامدرن است. شخصیت‌های این داستان به شیوه‌های مختلفی در هم تنیده شده‌اند و زندگی‌شان به طرق مختلف به هم گره خورده و

کوچک‌ترین کنش و واکنشی از هر کدام از آن‌ها بر زندگی دیگری تأثیر می‌گذارد. برخی از مشخصه‌های این گره خوردگی که در آن‌ها مشترک است عبارت‌اند:

۱. تبعیدی بودن
۲. هم‌وطن بودن
۳. همسایه بودن
۴. شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشترکی را پشت سر گذاشتن
۵. چشم‌انداز روشن نداشتن.

این ویژگی‌ها به خوبی می‌توانند بر مبنای نظریه‌ی آشوب، بازخوانی شوند و نظم درونی وقایع و کشمکش‌های داستان را در عین بی‌نظمی ظاهری، نمایان سازند. در داستان مورد بحث به دلیل هماهنگی خوب ساخت و محتوا، متغیرهای متعدد آشفته‌ساز در عین ظاهر آشفته در پاره‌ای از مواقع نوعی انسجام و هماهنگی را به نمایش می‌گذارند. این آشنایی‌زدایی نتیجه تفاوتی است که داستان پسامدرن با داستان کلاسیک و مدرن دارد: «پسامدرنیسم نوعی جدید و افراطی از بدعت‌گزارانی را در ادبیات داستانی رواج می‌دهد؛ نگرشی به‌مراتب شکاکانه‌تر از نگرش مدرنیست‌ها را مطرح می‌سازد» (لاج و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۰۲)؛ در نتیجه خواننده‌ای که با داستان رئالیستی کلاسیک و یا حتی مدرن خو گرفته ممکن است در تحلیل آشفته‌گی داستان، شخصیت و سوژه پسامدرن سردرگم شود.

«جان بارت در «ادبیات نفس تازه کردن» می‌گوید: مؤلف پسامدرنیست آرمانی مورد نظر من صرفاً به بی‌اعتبار کردن پدران مدرنیست سده بیستمی یا پدربزرگ‌های پیشامدرنیست سده نوزدهمی خود، یا صرفاً به تقلید کردن از آن‌ها نمی‌پردازد. او بدون لغزیدن به درون ساده‌دلی اخلاقی یا هنری، صنعت پردازی پیش پا افتاده، پول‌پرستی به شیوه رایج در خیابان مدیسن، یا خامی ساختگی یا واقعی به دنبال داستانی می‌گردد که جاذبه‌ای دموکراتیک‌تر از «متنی برای هیچ» بکت داشته باشد. رمان پسامدرنیستی آرمانی، به‌نوعی از نزاع میان واقع‌گرایی و ناواقع‌گرایی، شکل‌گرایی و محتواگرایی، ادبیات ناب و ادبیات متعهد، داستان گزیده و داستان بی‌بها فراتر می‌رود» (مک‌هیل، ۱۳۹۵: ۱۵). پیچیده بودن داستان پسامدرن حاصل علل متعددی است:

«طنز، استعاره، تجاهل، ابهام، ایجاز، ابهام، کلیشه‌سازی، تقلید، ابتذال، عدم قطعیت و هر صنعت ادبی که بتواند موجب پیچیده‌گویی شود، ابزار مناسب برای نوشتن اثر پست‌مدرنیسم است» (نوذری، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

داستان پسامدرن به دلیل جوهر سیال، مرکز‌گریز، آشنایی‌زدا و ماهیت تعریف‌گریز خود قابلیت انعطاف‌پذیری زیادی دارد و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف سوبیه‌های متفاوتی را به نمایش می‌گذارد. این نظریه به خوبی می‌تواند حوادث اجتماعی، سیاسی، ساختارهای پیچیده، داستان پسامدرن و شخصیت‌های آشنایی‌زدا، آشفته و پیچیده آن را تبیین و تشریح کند. داستان مدرن و به‌خصوص شخصیت مدرن به‌مثابه یک جزء از آن، اغلب

پیچیده است اما مشخصه داستان و شخصیت پسامدرن آشفتگی است. نوعی آشفتگی که از برهم‌کنش متغیرهای مختلف حاصل می‌شود و درعین حال نوعی از نظم را به نمایش می‌گذارد. این نوع الگوها از ماهیتی پیچیده برخوردارند. داستان پسامدرن هم، روایت خطی را کنار می‌گذارد و به صورت خودآگاه ماهیتی پیچیده یا آشفته پیدا می‌کند؛ زیرا «باور نداشتن به راستای خطی تاریخ، مسئله‌سازترین وجه پسامدرن است» (یزدانجو، ۱۳۸۷: ۸).

این داستان سوییجهای فراداستانی هم دارد؛ «فراداستان اصطلاحی است که به نوشته‌ای داستانی اطلاق می‌شود که به شکلی خودآگاه و نظام‌مند، توجه خواننده را به ماهیت یا وضعیت خود به‌عنوان امری ساختگی و مصنوع معطوف می‌کند» (وو، ۱۳۹۷: ۸). همچنین «فراداستان متکی بر برداشتی از اصل عدم قطعیت هایزنبرگ است: وقوف به این‌که در مورد کوچک‌ترین ذرات تشکیل‌دهنده‌ی ماده، هرگونه فرآیند موجد آشفتگی و بی‌نظمی بزرگی است» (همان: ۱۰).

۱-۳. بررسی شخصیت‌های داستان بر مبنای نظریه آشوب

شخصیت محوری داستان راوی اول شخص است که یدالله نام دارد و داستان حول محور خودش می‌چرخد. سایر شخصیت‌های مهم داستان عبارت‌اند از: پروفت، اریک اسمیت و زنش، سید، رعنا، فریدون، گاییک، فاوست مورنائو، بغل‌دستی؛ هرکدام از این شخصیت‌ها چندین اسم دیگر هم دارند.

زندگی و سرنوشت این شخصیت‌ها به صورت‌های مختلفی درهم‌تنیده و آشفته است. اکنون این در هم تنیدگی و آشفتگی شخصیت‌های داستان را در ساحت‌های چهارگانه نظریه‌ی آشوب مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱-۳. ساحت اثر پروانه‌ای شخصیت‌ها

از آن‌جا که پدیده‌ی آشوبی، حالت بال پروانه‌ای دارد، در حالت عدم قطعیت به سر می‌برد و به شرایط اولیه خود بسیار حساس است، در این داستان، زندگی کنونی و آینده شخصیت راوی هم وابسته به حادثه‌ای است که در سن چهارده‌سالگی برای او رخ داده. راوی می‌گوید شرایط مبدأ مهاجرتش یعنی ایران در شرایط مقصد مهاجرت او یعنی فرانسه بسیار تأثیرگذار است:

«من که کشورم را ترک کرده بودم برای آنکه به همه‌چیز من کار داشتند حالا احساس می‌کردم نفرین‌شده‌ای هستم که وقتی هم به قبر بگذارندم به جایی خواهم رفت که به همه‌چیز من کار خواهند داشت» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۸۶). مقصود راوی این است که شرایط

اولیه زندگی در شرایط اکنون زندگی‌اش تأثیر بسیار زیادی دارد و هرچند که اکنون در کشور و موقعیتی متفاوت زندگی می‌کند اما بازهم تأثیر رخدادها و شرایط اولیه زندگی بسیار تأثیرگذار است:

«دیگر داشت باورم می‌شد که سرنوشت هم چیزی است مثلث شکل. من از خانه‌ی پدر گریخته بودم چون دائم دو چشم سرزنش بار مرا می‌پایید. در پایتخت تا آمدن شانه‌هایم را از بار این وزنه‌های هراس‌آور بتکانم آن دو چشم ملامت‌گر به قدرت رسیده بود؛ و حالا این‌جا، داشت نفسم کمی بالا می‌آمد، سر و کله‌ی رعنا پیدا شده بود» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۹۴).

منظور راوی از «دو چشم سرزنش بار» اعمال قدرت پدرسالاری و از «دو چشم ملامت‌گر پایتخت» قدرت حاکم است؛ این مورد همچون الگویی است که به‌طور مداوم برای شخصیت‌های داستان تکرار می‌شود و زندگی‌شان را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. این شواهد نشان می‌دهد که حوادث داستان بسیار به یکدیگر وابسته هستند و متغیرهای اولیه هرچند به‌صورت پیچیده و آشفته، در سرنوشت پدیده‌ها و شخصیت‌ها تأثیر زیادی دارد. اگرچه این وابستگی‌ها مبتنی بر روابط علت و معلولی است اما این روابط علت و معلولی از نوع خطی و نظام‌مند نیست؛ مؤلف در متن داستان به حالت پروانه‌ای اشاره می‌کند:

«می‌گویند حرکت بال پروانه‌ای در چین می‌تواند به توفانی مهیب در شیکاگو بدل شود. حالا حرکت نوک چراغ پروفت داشت به چیزی بدل می‌شد من نمی‌دانم؛ اما یک چیز روشن بود: حرکت آغاز شده بود!» (همان: ۱۰۶). بال زدن یک پروانه در چین، نشانه‌ای از یک پدیده بسیار کوچک است که به صورتی غیرمنتظره، شگفت‌انگیز و همراه با متغیرهای بی‌شمار دیگر می‌تواند به توفانی مهیب در شیکاگو که نشانه‌ای از یک رویداد بسیار بزرگ و مهم است منجر شود. در بخشی از داستان، باد پنجره اتاق راوی را با خود می‌برد و این مسئله مقدمه‌ای می‌شود برای برجسته کردن تجلی نظریه‌ی آشوب در متن داستان و به‌خصوص گره‌خوردگی و خاصیت بال پروانه‌ای زندگی و سرنوشت شخصیت‌های داستان و این پرسش فلسفی که ما تا کجا مسئول اعمال خود هستیم؛ راوی/مؤلف به‌طور آگاهانه به این مطلب اشاره می‌کند:

«چه حادثه‌ای ناگوارتر از این که باد پنجره‌ات را ببرد و نفهمی به کجا؟ ما تا کجا مسئول اعمال خود هستیم؟ من می‌خواستم پنجره‌ی اتاقم را ببندم اما توفانی بی‌هنگام آن را از جا کند؛ و با خود برد. حالا پنجره‌ی اتاق من سرنوشت مستقل خودش را دارد. ممکن است به‌جای قطع کردن سر عابر نگون‌بخت، پایش را بشکند. یا فقط به جراحی سطحی اکتفا کند؛ اما این به

معنای پایان هستی این عمل نیست فرض کنیم درجایی فرود آید که هیچ عابری نیست. صدای در هم شکستن مهیب پنجره‌ی شیشه‌ای روی آسفالت، حالا، تکثیر می‌شود و در چند جهت به حرکت خود ادامه می‌دهد» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

ادامه این روایت از تأثیر رویدادها بر شخصیت‌های داستان حکایت می‌کند:

«اندکی بعد صدای مهیب برخورد پنجره‌ی شیشه‌ای با آسفالت خیابان همان ضربه مناسبی است که زن کلانتر به آن نیاز دارد تا دریابد که هر صدایی بندیکت را اذیت نمی‌کند. در این لحظه یادش می‌افتد به حرف فریدون و تصمیم عجیبی می‌گیرد. ادامه‌ی این اتفاق تبدیل به نسیم ملایمی می‌شود یا توفانی در شیکاگو عجالتاً به من مربوط نیست» (همان: ۱۶۱).

این واقعه به‌ظاهر کم‌اهمیت، سرانجام در سرنوشت اکثر شخصیت‌ها تأثیرگذار خواهد

بود:

«حرکت چیزی به لطافت ابریشم هم می‌توانست همان فاجعه‌ای را بیافریند که حرکت بال پروانه: در خیابان از زنی ساعت را می‌پرسید. زن می‌ایستد و به ساعتش نگاه می‌کند: «پنج و ده دقیقه» این پرسش برای شما عملی است خاتمه یافته؛ اما خود این عمل، مثل هیولایی نوزاد، بی‌اعتنا به شما، به هستی مستقل ادامه می‌دهد. همان چند ثانیه کافی است تا زن که به‌سرعت وارد ایستگاه مترو شده است، قطاری را که در همان لحظه راه افتاده، از دست بدهد. دو دقیقه بعد قطار دیگری از راه می‌رسد زن سوار می‌شود. چند ایستگاه آن‌طرف‌تر تصادمی وحشتناک با قطاری که از سمت مقابل می‌آید باعث از دست رفتن تعدادی از مسافران می‌شود. زن که می‌توانست با قطار قبلی برود به خاطر یک عمل ساده شما نامش در فهرست قربانیان این تصادف رقم می‌خورد» (همان: ۱۶۳-۱۶۴).

این شواهد نشان می‌دهد که کنش‌ها و واکنش‌های شخصیت‌ها پس از وقوع، به یک هستی مستقل می‌رسد. پس از آن خود سوژه اگرچه ممکن است بسیار تأثیرگذار باشد اما در حیات و آینده «کنش‌های دارای هستی مستقل» یا به تعبیری دیگر پیامد رفتارهای خود، تأثیری نخواهد داشت و اینجاست که ثابت می‌شود در این داستان با شخصیت‌هایی پسامدرن مواجه هستیم که کنترلی بر پیامد رفتار خود ندارند. همان‌گونه که رفتارها و کنش‌های شخصیت «سید» سرانجام، ناخواسته زندگی خودش و راوی را نابود می‌کند:

«جمع و تفریق سید درست بود، اما با همه‌ی تیزهوشی حساب یک‌چیز را نکرده بود: این که دیوار آن چیزها از کاغذ هم نازک‌تر است و در اتاقی چسبیده به اتاق من، کسی زندگی می‌کند که حسرت می‌خورد چرا وقتی زنش را در بغل آن لندهور فرنگی دید کار را به خدا حواله کرد و سرش را گوش تا گوش نبرید. پاسخ مساعدی که سید به رعنا داد ارتعاش صوتی ساده‌ای بود که میان لب و دندان او زاده شد و چند روز بعد هم در ادامه‌ی حرکت مستقلش تبدیل به چاقویی

شد که نوک تهدیدش نصیب گلوی او شد و کمی بعد، تیغ‌های شکافنده‌اش تا دسته نصیب من» (همان: ۱۶۷).

با اندکی تأمل درمی‌یابیم که این ارتعاش صوتی ساده که به قول راوی میان لب و دندان سید زاده می‌شود حالت بال پروانه‌ای پیدا می‌کند و در انتهای داستان یکی از مهم‌ترین نقطه‌های آغاز فرآیندی است که در نهایت به مرگ سید و راوی منتهی می‌شود؛ در حقیقت یک فعالیت فیزیکی ناچیز که ممکن است فقط اندکی از مولکول‌های هوا را جابه‌جا کرده باشد آن‌چنان تأثیری دارد که به مرگ شخصیت‌ها منجر شود. توجه به حوادث کوچک اولیه که اغلب پیچیده، آشفته و غیرقابل پیش‌بینی است و پیش‌ازین به آن‌ها توجه نمی‌شد یکی از دستاوردهای نظریه‌ی آشوب است. در مطالعات مربوط به شخصیت داستانی هم تا پیش‌ازین به رویدادهای آغازین و کنش‌های کوچک اولیه اندکی توجه می‌شد اما اکنون به یاری این نظریه می‌توان اهمیت این کنش‌ها و رفتارهای کوچک آغازین شخصیت‌ها را در سرنوشت آن‌ها مشخص کرد.

نکته‌ای دیگر که اهمیت حرفه راوی و تأثیر او بر زندگی و سرنوشت سایر شخصیت‌ها را نشان می‌دهد این است که او به نویسندگی روی آورده است، حرفه‌ای مهم که باعث می‌شود سرنوشت شخصیت‌هایش را در اختیار بگیرد و بر سرنوشت عده‌ی بیشتری (خوانندگان) تأثیر بگذارد:

فاوست مورنائو گفت: «شما می‌توانستید عمله باشید و صبح تا شب آجر بالا بیندازید و اگر هم مرتکب خطایی شدید آجر فقط روی سرخودتان خراب شود؛ اما با این چیزهایی که به‌هم بافته‌اید زندگی عده‌ای را از هم پاشیده‌اید. بغل‌دستی گفت: «آن بنده خدایی که به خاطر شما خودش را به آب و آتش زد به دیوانگی متهم کردید!» فاوست مورنائو گفت: «اریک فرانسوا اشمیت بیچاره دق کرد وقتی کتاب شما را خواند!» بغل‌دستی گفت: «رنا از فرط ناراحتی خودش را انداخت زیر قطار!» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۶۵).

اتخاذ حرفه نویسندگی یک کنش بسیار مهم است که تأثیرات زیادی را در جهان پیرامون و مخاطبان بر جای خواهد گذاشت و به این دلیل است که فاوست مورنائو به همراه بغل‌دستی‌اش که تمثیلی از نکیر و منکر هستند که در شب اول قبر به سراغ فرد مرده می‌آیند، مرگ سایر شخصیت‌ها را هم به گردن راوی/مؤلف می‌اندازد. اعتقادات اولیه انسان خاصیت اثر پروانه‌ای دارد و مدت‌ها به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه در ذهن و زبان باقی خواهد ماند:

«در فرهنگی که با آن بار آمده بودم، سگ موجودی بود نجس که کمترین تماس با او باعث آلودگی می‌شد و تا غسل نمی‌کردی برای خودت هم قابل‌تحمل نبودی. از این گذشته سگ

موجودی بود که اگر کسی را می‌خواستند طلسم کنند به قالب او درش می‌آوردند... با این نوع تربیت کنار آمدن با سگ‌ها آسان نیست. حتی اگر مدت‌ها باشد که به همه‌چیز و از جمله این چیزها اعتقاد نداشته باشی» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۸). «با سگ کوچکی مواجه شدم که موهای فروری داشت و شباهتی غریب به بره‌ای کوچک. بی‌اختیار دویدم و بغلش کردم. همان‌جا بود که فهمیدم آن اعتقادات پیشین، گرچه به لحاظ محتوا، دیگر وجود ندارند اما به لحاظ شکل همچنان به حیاط خود ادامه می‌دهند. به عبارت دیگر من از سگ تا وقتی اکراه داشتم که شبیه سگ بود. همچنان که پیش‌ازین تا حدی این اکراه را نسبت به بزها داشتم که در واقع بره‌هایی بودند با ظاهر سگ» (همان: ۲۸).

شخصیت راوی یک شخصیت آشفته است و از بیماری پارانویا رنج می‌برد. راوی در اثر حادثه‌ای که در سن چهارده‌سالگی در ایران برای او رخ داده دچار تثبیت شخصیت شده، گاه و بی‌گاه دچار وقفه‌های زمانی می‌شود و زمان‌پریشی و مکان‌پریشی یکی از مشخصه‌های مهم ذهنیت او به‌مثابه یک تبعیدی است، رویدادهای دوران نوجوانی در آینده او تأثیر زیادی دارد و تمام ذهن و زبان او را تسخیر کرده؛ این همان مشخصه‌ی اصلی نظریه آشوب است که یک پدیده نسبت به حالت اولیه خود بسیار حساس است. با نگاهی به داستان معلوم می‌شود که راوی در دنیای چهارده‌سالگی خود، در ایران، جامانده، دنیایی آشفته و پریشان که رویدادهای به‌ظاهر کوچک تبعات بسیار زیادی برای او داشته است. به عبارت دیگر زاویه کم آغازین به‌مرور گسترده‌تر می‌شود، آن‌گونه که گویی ارتباطی با دوران آغازین خود ندارد؛ اما اگر به‌طور دقیق به موضوع بنگریم درمی‌یابیم که شرایط اکنون ریشه در متغیرهای آغازین دارد. شرایط مبدأ مهاجرت یعنی ایران در شرایط مقصد مهاجرت یعنی فرانسه به طرز قابل توجهی تأثیرگذار است. تمامی شخصیت‌ها از جمله خود راوی، سید، فریدون و همسرش، رعنا و پروفت به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه، پنهان و آشکار از شرایط اولیه کشور مبدأ مهاجرت خود رنج می‌برند. در این داستان هم شرایط به‌ظاهر ساده و کم‌اهمیت ابتدایی در نهایت به شرایطی بغرنج تبدیل می‌شود. سید و راوی به طرز مبهمی کشته می‌شوند. راوی پس از مرگ به‌صورت مسخ‌شده در قالب سگ صاحب‌خانه ظاهر می‌شود؛ چیزی که همیشه از آن واهمه داشته است. راوی در سطرهای آغاز داستان می‌گوید که مثل یک اسب وقایع را بو کشیده و پیش‌بینی می‌کند و از قضا تمام پیش‌بینی‌های او یعنی مرگ و مسخ به واقعیت می‌پیوندد. این رویکرد فراداستانی نشانه‌ای از گزاره‌های نظریه‌ی آشوب است یعنی همه پدیده‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و هر حادثه و رویدادی و هر انسان یا حیوانی به طرز شگفت‌آوری سهمی در

رویدادهای جهان دارد؛ سهمی بیشتر از آنچه بشر تاکنون گمان می‌برده است. وقتی که بال زدن یک پروانه - که خود تاکنون نشانه‌ای از یک امر بسیار کم‌اهمیت بوده، تحت شرایطی می‌تواند به طوفان منجر شود سایر پدیده‌های کوچک هم می‌توانند تأثیر زیادی در جهان داشته باشد. در داستان هم تمام گفته‌ها، اندیشه‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های شخصیت‌ها بسیار مهم است، آن‌هم در داستان پسامدرن که شخصیت‌ها سیال و همواره در حال تحول و سیورورت هستند.

۳-۲. ساحت خود همانندی شخصیت‌ها

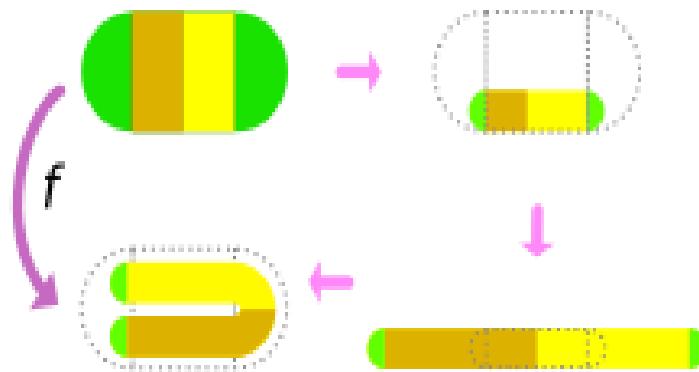
خود همانندی یعنی جزء نماینده کل باشد و شخصیت در این داستان به‌عنوان یکی از عناصر با کل داستان هماهنگی کامل دارد. این داستان همچون یک پدیده آشفته است و شخصیت‌های داستان همه آشفته و سرگردان هستند. راوی در شروع داستان، آشفتگی و ترس‌هایش را این‌گونه ترسیم می‌کند: «مثل اسبی بودم که پیشاپیش وقوع حادثه را حس کرده باشد دیده‌ای چطور حدقه‌هایش از هم می‌درند و خوفی را که در کاسه‌ی سرش ایستاده باد می‌کند توی منخرین لرزانش؟ دیده‌ای چطور شیهه می‌کشد؟» (همان: ۷). یا درجایی دیگر سخن از انسان ایرانی است که همواره امر و نهی می‌کند اما مخاطب را در یک حالت ترس و وحشت نگه می‌دارد و او را درحالی که در هاله‌ای از ابهام گرفتار است رها می‌کند:

« یکی می‌گفت: منه در میان راز با هر کسی
یکی می‌گفت: مکن پیش دیوار غیبت بسی
یکی می‌گفت: مبین به سبب زنخدان که چاه در راه است
یکی می‌گفت: مکن خواجه بر خویشان کار سخت
راحتتان کنم، همه‌اش نصیحت بود؛ همه‌اش نهی؛ هیچ‌کس هم نگفت که چکار باید کرد» (همان: ۱۲).

چنین شرایطی است که شخصیت‌های آشفته را به وجود می‌آورد و این شخصیت‌ها به همراه سایر عناصر پسامدرنیستی در نهایت داستان پسامدرن آشفته را به وجود می‌آورند. در واقع چنین نمونه‌هایی جزءهایی هستند که با داستان به‌مثابه‌ی یک کل هماهنگی کامل دارند.

همان‌گونه که پیش‌از این اشاره شد در ریاضیات، هندسه فراکتال نماد آشوب است و مبحث حساب دیفرانسیل و انتگرال به دنبال ساده‌سازی و تقلیل‌گرایی است و می‌خواهد خطوط پیچیده را به خطوط راست تقلیل دهد؛ اما «این شاخه از ریاضیات قادر به بررسی

فراکتال‌ها نیست، زیرا هرچقدر هم بازه کوچک انتخاب شود قابل تقلیل به خط راست نیست، اکثر اجسام موجود در طبیعت دارای شکل فراکتالی هستند. هندسه فراکتالی به‌عنوان اساس نظریه آشفتگی، برای بررسی این‌گونه اشکال به وجود آمد (صفری، ۱۳۹۰: ۶۶). برای فهم نظام‌های پیچیده باید از روش‌های متفاوتی بهره برد و خاطر نشان کرد که: «دو نوع فرآیند عامل تشکیل فراکتال هستند: انبساط و تا شدگی. اگر مجموعه‌ای از نقاط نزدیک به هم را در لحظه‌ای خاص به‌عنوان شرایط اولیه سیستم آشفته در نظر بگیریم با گذر زمان و تکامل سیستم این نقاط بنا به خاصیت حساسیت به شرایط اولیه از یکدیگر بسیار دور می‌شوند. از آن‌جا که این نقاط تا بی‌نهایت از یکدیگر دور نمی‌شوند، در نظام‌های آشفته، ساز و کار تا شدگی ممکن است مجدداً آن‌ها را به یکدیگر نزدیک کند. مثال مشهوری به نام «تبدیل نعل اسبی» وجود دارد که این فرآیند را به‌خوبی بیان می‌کند» (صفری، ۱۳۹۰: ۶۸):



(شکل ۱: مکانیسم انبساط و تا شدگی)

این شکل نماد آشفتگی زمانی و مکانی است و نشان می‌دهد که دونقطه اگرچه ممکن است بر اثر انبساط از یکدیگر فاصله بگیرند اما ممکن است بر اثر تا شدگی دوباره به یکدیگر نزدیک شوند، در فراکتال‌ها و اشکال پیچیده و همچنین در ذهنیت شخصیت‌های پسامدرن با مجموعه‌ای از انبساط‌ها و تا شدگی‌ها روبه‌رو هستیم که در مجموع منجر به آشفتگی بیشتر داستان پسامدرن می‌شوند؛ اگرچه راوی، پروفیت، سید، رعنا و سایر شخصیت‌ها در آغاز خاستگاه مشترک دارند و ذهنیات آن‌ها به هم نزدیک است اما بر اثر مهاجرت که نوعی فرآیند انبساط است هم از لحاظ فکری و هم جغرافیایی مدتی از هم دور می‌شوند اما پس از چندی بر اثر فرآیند تا شدگی دوباره در یک آپارتمان در فرانسه به هم می‌رسند و باز هم از نظر مکانی، زمانی و ذهنی به هم نزدیک می‌شوند، آن گونه که گویی اجزای مختلف یک شکل فراکتالی در کنار هم قرار گرفته‌اند و بدین‌سان زندگی و

سرنوشت شخصیت‌ها، بسیار به هم شبیه شده است. در واقع آنان اجزایی از یک جامعه هم‌شکل هستند که به دلیل مشابهت و همگرایی‌شان همواره گرایش به پیوند نزدیک با یکدیگر دارند: «او هم مثل من هنوز در زندگی‌اش کسی نشده بود و از این نظر ما شباهت غریبی به هم داشتیم. من و او آن قدر باهم تفاوت داشتیم که شبیه هم شده بودیم» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲). همچنان که جامعه ایران یک جامعه فراکتالی آشفته و غیر نظام‌مند است اما باز هم این بی‌نظمی دارای الگوهای خاصی است که در بسترهای خاصی می‌توان از آن معنا برداشت کرد: «درحالی‌که نوعی ساخت‌مندی در جوامع مدرن غربی حاکم است، در ایران فرآیندهای آشفته ساز شکلی فراکتالی از اندیشه را ایجاد کرده‌اند که با بررسی مقطعی جامعه نیز خواص آشفته آن قابل تشخیص است» (صفری، ۱۳۹۰: ۷۰)؛ در نتیجه داستان ایرانی هم می‌تواند آیینی جامعه‌ی فراکتالی و آشفته خود باشد و شخصیت‌های داستانی تصویری از انسان آشفته ایرانی باشند.

۳-۱-۳. ساحت سازگاری پویا

در این ساحت، سخن از سازگاری شخصیت‌ها با محیط و شرایط اجتماعی است. راوی/نویسنده داستان هم‌نویبی *شبانه* / *ارکستر چوب‌ها* وضعیت آشوبی داستان را به یاری سایر شخصیت‌ها از جمله، پروف، سید و رعنا ترفیع می‌دهد. همه‌ی شخصیت‌ها در ساختمان محل زندگی خود در فرانسه پس از مدتی به یک تعادل آشوبی رسیده‌اند. همه در کنار هم به زندگی بدون نظم یکدیگر خو گرفته‌اند. به عبارت دیگر آن‌ها تعامل خوبی با محیط یا زمینه اجتماعی برقرار می‌کنند. «میل به یکپارچگی تلاشی است برای نفی هویت فردی و می‌دانیم سید که همواره علاقه به یکپارچه کردن اتاق‌ها داشته، عمر کوتاهی داشته است. در فرهنگ پسامدرن، اصولاً هویت در معنای مطلقش وجود نخواهد داشت» (کریمی، ۱۳۹۷: ۹۱).

این شخصیت‌ها پس از آنکه به یک تعادل نسبی می‌رسند راوی/مؤلف در یک ترفند پسامدرن، مسئولیت سرنوشت خود و شخصیت‌هایش را نمی‌پذیرد. علاوه بر راوی، سایر شخصیت‌ها هم خود را مسئول اعمال خود نمی‌دانند. از داستان هم این‌گونه برمی‌آید که شخصیت‌ها مسئول رفتار خود نیستند درست همان‌گونه که اندیشمندان پسامدرنیسم هم، چنین دیدگاهی دارند و این مطلب با موضوع کلی داستان هماهنگی دارد:

«کتاب «هم‌نویبی شبانه ارکستر چوب‌ها» را من سال‌ها پیش نوشته بودم، خیلی پیش‌تر از آنکه همه‌ی آن اتفاقات رخ بدهد، داستانی کاملاً خیالی. در آن هنگام هیچ‌کدام از

شخصیت‌ها را هم نمی‌شناختم. حتی سید و رعنا را. بعد زندگی‌ام شبیه این کتاب شد» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۴۲). در واقع همه این شخصیت‌ها و راوی بخش‌هایی از یک فرآیند آشوبی هستند که به همراه روایت، پیرنگ و موضوع در مجموع یک سیستم آشوبی به وجود آورده‌اند و هم در شکل و محتوا و هم در شیوه‌ی روایت به خودسازمان‌دهی رسیده‌اند. عناصر داستان و شخصیت‌ها و رویکرد مؤلف نشان می‌دهد که شباهت‌ها و پیوندهای زیادی با یکدیگر دارند. هیچ‌کدام از شخصیت‌های داستان چه در ایران و چه در فرانسه خود را مسئول رفتار خود نمی‌دانند.

۳-۴. ساحت جاذب‌های غریب

در این داستان، شاخص‌ترین جاذب‌های غریب یا الگوهایی که شخصیت‌ها اغلب از آن‌ها تبعیت می‌کنند عبارت‌اند از: ۱. ناهمخوانی فرهنگی-اجتماعی میان کشور مبدأ و مقصد تبعید همراه با نوعی تعریض به شرایط نامساعد زندگی در کشور مبدأ ۲. پارانوایا و رفتار هیستریک شخصیت‌ها و نداشتن هویت مستقل ۳. ترکیب سنت و مدرنیته و روایت پسامدرن. این الگوها به‌مثابه نظمی پیچیده اما پنهان هستند که در زندگی شخصیت‌های پسامدرن داستان وجود دارند و نقش زیادی در زندگی و سرنوشت شخصیت‌ها بازی می‌کنند. به‌عنوان مثال راوی، سگ را نجس می‌داند و از آن می‌ترسد اما بعدها به دلیل زندگی در فرانسه نظرش تغییر می‌کند: «من از سگ نمی‌ترسیدم؛ یعنی مدت‌ها بود که دیگر نه از دیدنش وحشتی داشتم و نه از لمس کردنش اکراه. رسیدن به این مرحله البته آسان نبود. در فرهنگی که با آن بار آمده بودم. سگ موجودی بود نجس که کمترین تماس با او باعث آلودگی می‌شد و تا غسل نمی‌کردی برای خودت هم قابل تحمل نبودی» (همان: ۲۷).

این مطلب نشان‌دهنده‌ی ناهمخوانی فرهنگی-اجتماعی میان ایران و فرانسه و درعین‌حال همراه با نوعی تعریض به رفتار نامساعد با حیوانات در کشور مبدأ است. بدین صورت جاذب‌های غریب الگوهای پنهان فرآیندهای آشفته و پیچیده را آشکار می‌کند.

۵. نتیجه

داستان *همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها* به‌مثابه‌ی یک داستان پسامدرن، به دلیل تجلی خودآگاه نظریه‌ی آشوب، در شکل و محتوا هماهنگی کامل دارد. شخصیت‌های این داستان اغلب افرادی هستند که از ایران به فرانسه مهاجرت کرده و آن‌جا با مسائلی مواجه می‌شوند که هنوز هم بوی وطن می‌دهد. این حوادث و رفتارها نتیجه ویژگی‌های اثر پروانه‌ای، خودسازمان‌دهی، خودهماندی و جاذب‌های غریب است که ویژگی‌های بارز یک پدیده آشوبی هستند. در این داستان از میان ویژگی‌های نظریه‌ی آشوب، ویژگی اثر

بال پروانه‌ای ملموس‌تر و برجسته‌تر است. ویژگی‌های مشترک اغلب شخصیت‌ها و خاستگاه مشترک آن‌ها در مجموع وضعیتی آشفته برای شخصیت‌ها رقم می‌زند که باعث می‌شود به‌شدت بر یکدیگر تأثیر بگذارند. زندگی و سرنوشت شخصیت‌ها بسیار به یکدیگر و به شرایط اولیه آن‌ها و سرزمین اولیه‌شان وابسته است. آشفته‌گی شخصیت‌ها، سویه‌های پسامدرن داستان را برجسته‌تر می‌کند و تصویری شفاف‌تر از سوژه‌ها و جوامع پسامدرن ارائه می‌دهد. راوی، سید، رعنا، پروفت، گابیک، فاوست مورنائو و سایر شخصیت‌های پسامدرن، از هویت به مفهوم پیشین آن برخوردار نیستند بلکه جزئی هستند از یک کل آشفته پسامدرن؛ بدین سان نظریه‌ی آشوب سویه‌های پسامدرن داستان را تقویت کرده است.

منابع

- اکوانی، سیدمحمدالله و سیدولی موسوی‌نژاد(۱۳۹۳)، «هویت اسلامی-ایرانی از دیدگاه نظریه آشوب و پیچیدگی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و پنجم، شماره چهارم، ۱۴۹-۱۶۷.
- بزرگمهر، شیرین و احسان زیور عالم(۱۳۹۳)، «تجلی ادبیات پست‌مدرن در نوشته‌های علمی با تأکید بر نمایشنامه آرکادیا اثر تام استوپارد»، *نامه هنرهای نمایشی موسیقی*، شماره ۱۰، ۵-۲۱.
- بیگلری، معصومه و بهزاد قادری سهی(۱۳۹۸)، «دلالت‌های معرفت‌شناختی از منظر زیبایی‌شناسی نظریه آشوب در نمایشنامه آرکادیا اثر تام استوپارد»، *پژوهش ادب معاصر جهان*، دوره ۲۴، شماره ۱، ۵-۲۱.
- حاجی کریمی، بابک(۱۳۸۹)، «نظریه آشوب و کاربرد آن در تصمیم‌گیری‌های سازمانی»، *علوم رفتاری*، شماره ۳، ۲۴-۳۹.
- حسینی، سیدمحمدحسین. ۱۳۹۶. «درآمدی انتقادی بر نظریه‌های آشوب و پیچیدگی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، سال هفدهم، شماره ششم، ۱۷۵-۲۰۸.
- صفری، بهروز(۱۳۹۰)، «نظریه آشفته‌گی و آشفته‌گی اجتماعی در ایران»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، شماره ۴، ۶۲-۸۵.
- قاسمی، رضا(۱۳۹۳)، *همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها*، چاپ ۱۳، تهران: نیلوفر.
- کریمی، فرزاد(۱۳۹۷)، *تحلیل سوژه در ادبیات داستانی پسامدرن ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
- لاج، دیوید و دیگران(۱۳۹۴)، *نظریه‌های رمان از رئالیسم تا پسامدرنیسم*، ترجمه حسین پاینده، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
- مبینی، مهتاب و نوشین فتح‌اللهی(۱۳۹۳)، «بررسی جایگاه هندسه فراکتال در هنر و چگونگی ظهور آن در هنرهای تجسمی»، *نشریه پیکره*، دوره ۳، شماره ۶، ۷-۲۳.
- مک‌هیل، برایان(۱۳۹۵)، *داستان پسامدرنیستی*، ترجمه علی معصومی، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
- مهری، علی(۱۳۸۱)، «کاربرد نظریه بی‌نظمی در سازمان‌ها»، *نشریه تدبیر*، شماره ۱۲۹، ۲۲-۲۷.
- نوذری، حسینعلی(۱۳۸۰)، *پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم*، چاپ دوم، تهران: نقش جهان.

- وو، پاتریشا (۱۳۹۷)، *فراداستان*، ترجمه شهریار وقفی پور، چاپ دوم. تهران: چشمه.
- یزدانجو، پیام (۱۳۸۷)، *ادبیات پسا مدرن*، چاپ دوم. تهران: مرکز.
- Akvani, S. H. and Mousavi, N. S. V. (2014), "Islamic-Iranian Identity from the Perspective of Chaos and Complexity Theory", *Applied Sociology*, Twenty-fifth year, fourth issue. 149-167, [In Persian].
- Biglery, M. and Behzad, G. S. (2019), "Epistemological Implications from the Aesthetic Perspective of Chaos Theory in Tom Stoppard's Play of Arcadia", *Research in Contemporary World Literature*, Volume 24, Number 1, 5-21, [In Persian].
- Bozorgmehr, S. And Zivaralam, E. (2014), "Manifestation of Postmodern Literature in Scientific Writings with Emphasis on the Play of Arcadia by Tom Stoppard", *Letter of Musical Performing Arts*, No. 10, 5-21, [In Persian].
- Conte, J. M. (2002), *Design and Debris a caotics of postmodern amERICAN fiction*, Alabama: The university of Alabama press.
- Guastelo, S. J and others (2009), *Chaos and complexity in psychology : the theory of nonlinear dynamical systems*, first published, Cambridge ,Cambridge university press.
- Haji Karimi, B. (2010). "Chaos Theory and its Application in Organizational Decision Making", *Behavioral Sciences*, No. 3, 24-39, [In Persian].
- Hosseini, S. M. H. (2017), "A Critical Introduction to Theories of Chaos and Complexity", *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs*, Year 17, Number 6, 175-208, [In Persian].
- Karimi, F. (2018), *Subject Analysis in Postmodern Iranian Fiction*, First Edition, Tehran: Rozaneh, [In Persian].
- Lodge, D. et al (2015), *Novel Theories from Realism to Postmodernism*, translated by Hossein Payendeh, third edition, Tehran: Niloufar, [In Persian].
- McHale, B. (2016), *Postmodernist Story*, translated by Ali Masoumi, Second edition, Tehran: GHoghnoos, [In Persian].
- Mehri, A. (2002), "Application of Disorder Theory in Organizations", *Tadbir Magazine*, No. 129, 22-27, [In Persian].
- Mobini, M. and Nooshin F. (2014), "Study of the Position of Fractal Geometry in Art and How it Appeared in the Visual Arts", *Peykereh Magazine*, Volume 3, Number 6. 7-23, [In Persian].

- Nozari, H. (2001), Postmodernity and Postmodernism, Second Edition, Tehran: Naghsh Jahan, [In Persian].
- Parker, J. A. (2007), Narrative Form and Chaos Theory in Sterne, Proust, Woolf, and Faulkner, New York: Palgrave.
- Qasemi, R. (2014), Night harmony of the Wood Orchestra, 13th edition, Tehran: Niloufar, [In Persian].
- Safari, B. (2011), "Theory of Turmoil and Social Turmoil in Iran", Iranian Journal of Social Studies, Volume 5, Number 4, 62-85, [In Persian].
- Woo, P. (2018), Metafiction, translated by Shahreyar Waqfipour, Second Edition. Tehran: Cheshmeh.
- Yazdanjoo, P. (2008), Postmodern Literature, Second Edition. Tehran: Markaz, [In Persian].

